

دو فصل نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۱۰، ش ۲ (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

تأثیر قرآن کریم بر شعر هاتف اصفهانی

مسعود باوان پوری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

چکیده

قرآن کریم معجزه‌ای جاویدان است که از فجر اسلام تا زمان حال، شاعران زیادی به زبان‌های گوناگون، از دریای پر از گوهر آن استفاده‌های لفظی و معنوی برده‌اند. با گشتی گذرا در ادبیات ملّی مختلف به خصوص اعراب و ایرانیان می‌توان به این نتیجه رسید که کمتر کتاب یا دیوان شعری یافت می‌شود که از الفاظ و آیات قرآنی تهی باشد. سید احمد هاتف اصفهانی یکی از شاعران دوره‌ی بازگشت است که در جای‌جای دیوانش از الفاظ و معانی سحرانگیز قرآن بهره برده و آن‌ها را دستمایه‌ی هنری شعر خود قرار داده است. اهتمام وی به قرآن کریم باعث شده تا آیاتی را به صورت مستقیم و برخی دیگر را به شکل ترجمه و پاره‌ای دیگر را به شیوه‌ی تلمیح مورد استفاده قرار دهد. نویسنده‌ی این مقاله سعی دارد به شیوه‌ی تحلیلی-توصیفی به بیان نمونه‌هایی از تأثیر قرآن در دیوان هاتف اشاره نماید.

واژگان کلیدی: الگوی تفسیری جامع‌نگر، مضمون شناسی، مولانا، مثنوی، "قصه‌ی پادشاه

و کنیزک"

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۴/۱۵

Email: masoudbavanpouri@yahoo.com

۱- مقدمه

قرآن کریم، کتاب دینی و اعتقادنامه‌ی همه‌ی مسلمانان جهان است. این کتاب حکمت و هدایت، نظر به تعالی انسان‌ها از خاک تا افلاک دارد و اساساً آمده است که آدمی‌زادگان را از مغاک شهوات پست حیوانی به اوج افلاک و سفرهای علوی و آسمانی برساند. کتابی که با گذشت هزار و چهارصد سال، با زندگی آنان عجین شده و گویی با رگ و پوست و خون آنان درهم آمیخته است. لذا خواندن، درک مفاهیم و آموزش این کتاب بزرگ به منزله‌ی زیستن و حیات دوباره‌ی ما با قرآن است. از روزی که آیات و حیانی آن بر رسول گرامی اسلام (ص) نازل شده تا به امروز مایه‌ی هدایت و رشد بشر واقع گردیده است و ابعاد بی‌انتهای این گنجینه‌ی آسمانی برای هر کس، نسبت به فراخور حالش قابل بهره‌گیری بوده است (پاک‌نیا تبریزی، ۱۳۸۸: ۱۳). ادبیات در پرتو قرآن کریم به زیباترین شکل ممکن تعالی یافته و ادیبان و شاعران از دیرباز در آثار خویش به آیات قرآنی توجه داشته و از آن‌ها بهره برده‌اند. از آنجا که قرآن کریم معیار فصاحت و بلاغت در نزد مسلمانان بوده است، شاعران و نویسندگان کوشیده‌اند با استفاده از الفاظ سحرانگیز و معانی والای آن، توانایی خود را در به‌کارگیری الفاظ و مضامین نشان داده و نیز با استشهاد به آن، تأثیر سخن خود را فزونی بخشند و در پناه قداست و حرمت کلام ربّانی، حلاوت اندیشه‌های خود را صد چندان ساخته، آن را ارجمندتر و پذیرفتنی‌تر نمایند "به‌کارگیری و بازخوانی قرآن کریم در متون شعری یعنی اعطای مصداق بودن به شعر و بالا بردن ارزش آن به خاطر قداست و اعجاز قرآن کریم" (جربوع، ۲۰۰۲: ۱۳۴). این کتاب ارزشمند یکی از سرچشمه‌های میراث و تمدن بشری و یکی از منابعی است که مورد عنایت شاعران و نویسندگان قرار گرفته و به جرأت می‌توان گفت، کمتر شاعر و ادیب مسلمانی است که در آثار خویش به نحوی از قرآن تأثیر نگرفته باشد.

شعر مانند سایر گونه‌های هنری سلاحی دولبه است که شاعر با بهره‌گیری از آن می‌تواند اهداف والا و شریف را در شعر خویش بکار گرفته یا آن را آفتی برای نشر و ترویج فساد در جامعه قرار دهد "رسالت شعر و ادب در این است که انسان را به غایت اصلی و هدف متعالی و کمال مطلق سوق دهد، شعری که دارای عنصر تأمل باشد برای تحقق این مهم از هر وسیله‌ای مناسب‌تر است" (رفیعی و رضانی، ۱۳۹۲: ۵۲). تأثیرپذیری از قرآن کریم یکی از نمونه‌های والای ادبیات تطبیقی است ادبیات تطبیقی یکی از دانش‌های مویا، مفید و کارآمد در حوزه‌ی ادبیات جهان می‌باشد که ادبیات ملل مختلف را به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته و مقوله‌ای واحد با اختلافات ظاهری و زبانی مورد بررسی قرار دهد و "ضمن شناختن و شناساندن ادبیات بومی، روابط و مناسبات آن با ادبیات جهان

نمایان می‌سازد و از این رهگذر علاوه بر این سطح دانش و معلومات افراد را ارتقاء می‌بخشد، موجب رشد و بالندگی استعدادهای ادب دوستان نیز می‌گردد. همچنین زمینه هم‌سویی و تفاهم ملل مختلف را در جهان پر آشوب امروز فراهم می‌سازد" (ممتحن و بهمنی، ۱۳۹۱: ۱۰).

تأثیر قرآن کریم در شعر فارسی

ایرانیان با اثرپذیری از سرچشمه زلال قرآن کریم، آثاری جاودانه در نظم و نثر آفریده‌اند. تجلی تعالیم و الفاظ قرآنی در سروده‌های پارسی قبل از سده‌ی سوم، چندان آشکار نیست "پیشینه بهره‌گیری و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن و حدیث به آغاز پیدایی و پاگیری شعر فارسی یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد" (راستگو، ۱۳۷۶: ۷). با گذشت زمان و بالندگی شعر فارسی و با آمدن شاعرانی که در قرآن و معارف اسلامی تبحر داشتند، آموزه‌های قرآنی در شعر فارسی گسترش روز افزون یافت و به اوج خود رسید. شمیسا در این باره می‌گوید: "استفاده از آیات قرآن در ضمن کلام، از بارزترین تغییرات سبکی به شمار می‌آید که به صورت مختلف، از اوایل قرن پنجم به بعد متداول شد" (شمیسا، ۱۳۸۲: ۷۷). در کتاب‌های قدیمی و در میان نقاد قدیم، تأثیرپذیری از قرآن کریم و متون پیشین یا دیگر با اصطلاحات گوناگونی به کار گرفته شده است مانند اقتباس که در نقد قدیم وجود داشته است "اقتباس آن است که کلام چیزی از قرآن یا حدیث در بر داشته باشد" (حلی، ۱۹۸۰: ۳۲۳) یا تضمین که ابن‌اثیر آن را این گونه تعریف کرده است: "این که شاعر یا ادیب، شعر یا نثر خویش را با کلامی از دیگری به قصد کمک به تأکید معنای مورد نظر خویش به کار گیرد" (ابن‌اثیر، ۱۹۹۵: ۲۰۳). تلمیح نیز یکی دیگر از این اصطلاحات به حساب می‌آید "تلمیح مصدر باب تفعیل به تقدیم لام از لمح به معنی نظر کردن عبارت است از آن که متکلم در کلام اشاره کند به قصه‌ی معروفی یا شعر مشهوری یا مثل سائری بدون ذکر هریک" (هاشمی خراسانی، ۱۳۷۲، ج ۹: ۲۴۵) یا "تلمیح آن است که به مناسبت کلام به داستان یا آیه یا حدیث یا شعری اشاره شود. لازمه‌ی دریافت معنی و زیبایی تلمیح، آشنایی قبلی با آن داستان یا مثل یا آیه یا شعر است" (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۶۶). در نقد معاصر نیز این گونه تأثیرپذیری تحت عناوینی مانند بینامتنیت، بیتامتنی، ترامتنیت و... تبیین می‌شود. شعر فارسی در ادوار مختلف، همواره تحت تأثیر ادبیات غنی اسلامی و در رأس آن قرآن کریم بوده است و کمتر شاعری را می‌توان یافت که در دیوان خود، تلمیحی به آیات قرآنی نداشته، یا اقتباس و تضمینی از آن‌ها برنگرفته باشد. ایرانیان از دیرباز مردمی متمدن و با فرهنگ بوده‌اند، از آن زمان که پیام آسمانی اسلام به گوش مردم این مرز و بوم رسید، به استقبال آن شتافتند و قرآن و دستورهای آن را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار داده‌اند. با گذری بر دیوان‌های شعر فارسی می‌توان به این نکته

دست یافت که قرآن کریم از دیرباز منبع و مصدری الهام بخش برای شاعران بوده است. سید احمد هاتف یکی از شاعرانی می‌باشد که از قرآن بهره گرفته است و نویسنده این پژوهش بر آن است که بازتاب قرآن کریم را در دیوان وی به تصویر بکشند. "اثر پذیری از قرآن و حدیث گاه آشکار است گاه پوشیده و پنهان

(الف) پیدا و آشکار آنجاست که یا آیه و حدیث با همان ساختار عربی در سروده‌ای بیاید و یا گوینده به شیوه‌ی نقل قول، سخن خویش را از زبان آیه یا حدیثی گزارش کند. (ب) اثرپذیری پوشیده و پنهان آنجاست که گوینده مضمون یا تصویری قرآنی-حدیثی را در سروده‌های خویش بیاورد، یا سخن خویش را بر پایه‌ی آیه یا روایتی بنیاد نهد، بی آنکه به بهره‌گیری خود اشارتی بکند" (راستگو، ۱۳۷۶: ۸)

دوره‌ی بازگشت

"در نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم هجری، کسانی به مخالفت با سبک هندی برخاستند و به شیوهٔ متقدمان اقتدا نمودند و برای تحقق آرمان خود به تشکیل محافل و مجامع ادبی و تعلیم و تربیت شاگردانی که بتوانند به سبک قدما شعر بسرایند، همت گماردند که از آن جمله: شعله اصفهانی، طبیب اصفهانی، مشتاق اصفهانی، عاشق اصفهانی، آذر بیگدلی، هاتف اصفهانی، صباحی بیدگلی و رفیق اصفهانی را می‌توان نام برد که اقداماتشان سبب پیدایش دوره‌ی جدیدی در شعر فارسی شد که به "دوره‌ی بازگشت" مشهور است" (خاتمی، ۱۳۷۱: مقدمه). "بعد از انقراض صفویه سبک نظم و نثر و نقاشی یک مرتبه تغییر یافت، مجمعی از شعراء که مشتاق و هاتف و آذر و رفیق و طبیب و عاشق اعضا مهم آن بودند، سبک عراقی را از نو در شعر به وجود آوردند" (بهار، ۱۳۰۸: ۳۱۰).

زندگینامه شاعر

سید احمد هاتف اصفهانی چنان که از تذکره نگارستان دارا و تذکره‌ی محمدشاهی بر می‌آید اهل اردوباد آذربایجان بوده که در زمان پادشاهان صفوی خاندان وی از آن دیار به اصفهان هجرت کرده و در این شهر سکنی گزیده‌اند. تولد هاتف در نیمه‌ی اول قرن دوازدهم در شهر اصفهان اتفاق افتاده است و نسب وی به سادات حسینی می‌رسد. هاتف در اصفهان به تحصیل ریاضی و حکمت و طب پرداخت و گویا در این فنون از محضر میرزا محمد نصیر اصفهانی بهره گرفت و در شعر نیز مشتاق را راهنما و استاد خود اختیار نمود. از وی دیوان کوچکی در دست است که قریب دو هزار بیت از ترجیع‌بند و غزل و قصیده و مقطعات و رباعیات به زبان فارسی و سه قصیده به زبان عربی است. قصاید وی که به تقلید از اساتید قصیده‌سرای قدیم سروده شده است، روان و محکم است و خالی از مضامین لطیف نیست. غزلیات هاتف بیشتر تقلید از شیخ و خواجه است و غالب آن‌ها

لطیف و حاوی مضامین عاشقانه دلکش است. شاهکار جاوید وی پنج ترجیع‌بند اوست که او را در میان شاعران فارسی‌زبان، بلکه در تمام جهان صاحب اسم و رسم و اعتبار شایانی کرده است. دیوان وی در ایران بار اول در سال ۱۳۱۷ ق با چاپ سنگی و به قطع کوچک در تهران در ۱۲۱ صفحه چاپ شده و بار دوم کتابخانه‌ی خاور در سال ۱۳۰۷ ش چاپی سربی از آن در ۸۸ صفحه با مقدمه‌ی رشید یاسمی منتشر ساخته است. بعضی از غزلیات وی توسط مستشرقین فرانسوی، ژوانن و دفره مری، به فرانسوی ترجمه شده است و نیکولا، کنسول فرانسه در ازمیر، به سال ۱۸۷۹ م ترجیع‌بند معروف وی را به فرانسوی ترجمه کرده است (ر.ک هاتف، ۱۳۷۳: ۲۳-۱۱؛ حسینی دشتی، ۱۳۷۹: ۴۳۳؛ حقیقت، ۱۳۸۶: ۲۵۴). سیداحمد هاتف شاعر دوره‌ی افشاریه و زندیه و نماینده‌ی حقیقی تجدید سبک و اصلاح شعر فارسی می‌باشد. وی در اواخر عمر سفری به کاشان و قم کرد. وفات وی در سال ۱۱۹۸ ق اتفاق افتاد و در شهر قم مدفون است (فریور، ۱۳۵۲: ۳۳۴-۳۳۲). "هاتف اصفهانی از شاعرانی است که سه قصیده به زبان عربی سروده و در دو قصیده که موضوع آن‌ها غزل است از شاعران جاهلی و اسلامی و غزل عذری تأثیر پذیرفته است" (حریرچی، ۱۳۴۴: ۱). در مورد تأثیر قرآن بر شعر فارسی به طور عام و زندگی و شعر هاتف اصفهانی، تاکنون پژوهش‌های ارزنده‌ای عرضه شده است مانند: تحقیقی در صور خیال شعر دوره‌ی بازگشت ادبی نوشته‌ی مختار ابراهیمی، بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن دوره به قلم کاظم دزفولیان و اکبر شاملو، چکامه نویاب هاتف اصفهانی: استاد معظم نوشته‌ی پرتو بیضایی، اشعار عربی هاتف اصفهانی و اشعار عربی هاتف اصفهانی و جایگاه آن در سبک‌های شعری عربی به قلم فیروز حریرچی، هاتف اصفهانی نوشته‌ی ع. روح بخشان، سید احمد هاتف اصفهانی به قلم عباس اقبال، همشهری من هاتف اصفهانی نوشته‌ی سید محمد علی جمال‌زاده و یکی هست و هیچ نیست جز او (هاتف اصفهانی بر اوج قله ترجیع‌بند) به قلم محمد حسین کرمی که به زندگانی و اشعار و ترجیع‌بند معروف هاتف پرداخته‌اند، تاکنون پژوهشی پیرامون بازتاب قرآن در شعر هاتف اصفهانی مشاهده نشده است. منبع مورد پژوهش، دیوان هاتف اصفهانی با مقدمه‌ی عباس اقبال آشتیانی می‌باشد که مشتمل بر ۲۴۷ صفحه می‌باشد. این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشد:

- ۱- هاتف اصفهانی تا چه میزان از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است؟
- ۲- وی این تأثیر را چگونه در شعر خویش متجلی نموده است؟

۲- بحث و بررسی

هاتف در دیوان خویش به دو شکل پیدا و آشکار و پوشیده و پنهان از قرآن کریم

تأثیر گرفته است که سعی شده است برای هر کدام از موارد اثرپذیری، نمونه‌هایی بیان شده و در کنار هر بیت توضیحاتی پیرامون آن بیان شود که این تأثیر را بخوبی نشان دهد.

۲-۱- اثرپذیری پیدا و آشکار

وی در وصف زلزله‌ای که در زمان اقامت وی در کاشان اتفاق افتاده است، سروده است چون سفها خویش را بی سبب افکنده‌ام

از غرفات جنان در درکات سقر (هاتف، ۱۳۷۳: ۷۲)

هاتف در بیت بالا "غرفات جنان" و "سقر" را از قرآن کریم به وام گرفته که در سوره عنکبوت آمده است و در آن، خداوند وعده‌ی غرفه‌هایی در بهشت به مؤمنان داده است "وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُؤْتِيَنَّهُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ" (عنکبوت/۵۸) و در سوره‌ی مدثر از دوزخ به نام "سقر" یاد شده است "سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ" (مدثر/ ۲۷ و ۲۶). شاعر در بیت دیگری، کاشان را به مثابه‌ی جنت خلد و اهل آن را جنتیان دانسته است دل دو سه روزی کشید جانب کاشان و دید

جنت و خلدی در آن جنتیان را مقر (هاتف، ۱۳۷۳: ۷۵)

که واژه‌ی "جنة الخلد" از واژگان دل‌انگیز قرآنی می‌باشد که هاتف آن را در شعر خویش به کار گرفته است "قُلْ أَدْلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءٌ وَمَصِيرًا" (فرقان/۱۵). در بیت بعدی، شاعر از پیری سخن به میان می‌آورد و او را به سان ماه شب‌های تاریک و خورشید چاشتگاه و نورالهی دانسته و او را در سبزی و طراوت به حضرت خضر (ع) شبیه ساخته است پیر نه بدر دجی بدر نه شمس ضحی

شمس نه نور خدا چون خضر اندر خضر (هاتف، ۱۳۷۳: ۷۶)

شاعر واژه‌ی "شمس ضحی" را از قرآن کریم اخذ نموده که در ابتدای سوره شمس آمده است و خداوند متعال در این سوره به خورشید چاشتگاه سوگند یاد نموده است "وَالشَّمْسُ وَضَحَاهَا" (شمس/۱).

در ادامه‌ی گفتگوی بین هاتف و پیر، پیر از اصل شاعر می‌پرسد و وی خود را اهل وفا معرفی کرده و این که هنرمند است، اما پیر در جواب از وی می‌خواهد که بگریزد و هاتف به دنبال مفر می‌گردد که در این سخن از قرآن کریم بهره برده است گفت که‌ای وز کجا؟ گفتم از اهل وفا

گفت چه داری بیار گفتمش اینک هنر

خنده‌زان گفت خیز و یحک از اینجا گریز

هی منشین الفرار گفتمش این المفر (هاتف، ۱۳۷۳: ۷۶)

در قرآن آمده است که انسان در قیامت به دنبال گریزگاه (المفرّ) می‌گردد و شاعر از این کلام الهی در شعر خویش به زیباترین شکل بهره‌جسته است "يَقُولُ الْإِنْسَانُ يُؤْمِدُّ أَيْنَ الْمَفَرِّ" (قیامت/ ۱۰). در بیت دیگری، در مدح ممدوح خویش اعلام می‌کند که دشمن تو هرگاه به دنبال محل‌رهایی ناله سر دهد، از همه جا صدایی می‌شنود که گریزگاهی وجود ندارد
 خصم تو هر جا کشد ناله این المناص

از همه جا بشنود زمزمه‌ی لاوَر (هاتف، ۱۳۷۳: ۷۸)
 که با نگاهی گذرا در بیت برای خواننده آشکار می‌شود که شاعر از واژگان قرآنی بهره‌جسته است "كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَواْ وَلاَ تَحِثِّمْ مَنَاص" (ص/ ۳) و "كَلَّا لاَ وَزَرَ" (قیامت/ ۱۱).
 هاتف در ابیات دیگری که در وصف شهر قم سروده باز هم از الفاظ زیبای قرآنی استفاده نموده است
 لوحش الله چون حصار آسمان ذات البروج

فرق هر برجی بلند از فرقدان سامنظری (هاتف، ۱۳۷۳: ۹۱)
 وی در بیت بالا از "آسمان ذات البروج" سخن گفته است که ترجمه "والسما" ذات البروج است که در قرآن کریم آمده است "وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ" (بروج/ ۱).
 شاعر در تاریخ رحلت ممدوح خویش، اعلام کرده است که وی به سوی "جنه المأوی" رهسپار شده است
 چون ز بیداد چرخ بدرنسا

شد ز عالم به جنت المأوی (هاتف، ۱۳۷۳: ۱۸۰)
 که "جنات المأوی" در قرآن کریم از جانب خداوند به متقیان وعده داده شده است "أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ" (سجده/ ۱۹).
 شاعر در رحلت ممدوح خویش می‌سراید که چون به بهشت رسید ندای "فادخلوها خالدين" به گوش همه رسید
 به دارالخلد چون بشنید جانش

ندای فادخلوها خالدين رفت (هاتف، ۱۳۷۳: ۱۸۳)
 شاعر در بیت بالا به خوبی اصطلاحات و واژگان قرآنی را در شعرش نمایانده است "قُلْ أَذَلِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءٌ وَمَصِيرًا" (فرقان/ ۱۵) و نیز "وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ" (زمر/ ۷۳).
 وی در ادامه اعلام می‌کند که ممدوح از این دنیای پر از دام و اهالی خطرناک آن به سوی بهشتی رفته است که محل حور عین است

غرض چون زین سرای پر دد و دام

سوی آرامگاه حور عین رفت (هاتف، ۱۳۷۳: ۱۸۳)

که حور عین از واژگان قرآنی می‌باشد "كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ" (دخان/۵۴)

۲-۲- اثرپذیری پوشیده و پنهان

روح القدس فرشته وحی است که خداوند به وسیله‌ی او پیامبران (ع) را در تعلیم الهی و تثبیت در جایگاه‌هایی که آدمی در آن‌ها ضعیف است، یاری می‌سازد (مراغی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۵۵). شاعر در بیت زیر از آیه‌ی ۱۱۰ سوره‌ی مائده الهام پذیرفته است که در آن خداوند متعال نعمت‌هایی را که به حضرت عیسی (ع) اعطا نموده است، متذکر می‌شود و به تولد آن حضرت بدون هم بستری مادرشان بامردی، به اذن الهی اشاره می‌کند

دم روح القدس زد چاک در پیراهن مریم

نمایان شد میان مهد زربین طلعت عیسی (هاتف، ۱۳۷۳: ۵۵)

که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: "إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أُيِّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ" (مائده/۱۱۰).

"نام موسی ۱۳۶ بار در قرآن کریم ذکر شده است" (ابوخلیل، بی تا: ۷۳). در

بیت زیر شاعر به معجزه حضرت موسی (ع) اشاره می‌کند که دستشان را در جیب خود فرو برده و هرگاه که آن را خارج می‌ساخت کاملاً می‌درخشید که در بیت از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است "وَنَزَعُ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ" (شعراء/۳۳)

ز دامان نسیم صبح پیدا شد دم عیسی

ز جیب روشن فجر آشکار شد کف موسی (هاتف، ۱۳۷۳: ۵۵).

شاعر ابیاتی در وصف حضرت علی (ع) سروده و در آن‌ها اعلام کرده است که نباید بر کسی غیر از ایشان نام امام نهاده شود. منبع و الهام‌بخش وی در این داستان، قرآن کریم می‌باشد. سامری کسی است که در غیاب حضرت موسی (ع) قوم بنی اسرائیل را فریفته و گوساله‌ای زرین را به عنوان خدا به آنان معرفی ساخته بود و آنان نیز به آن ایمان آورده بودند؛ گفته شده زیور گوساله از زیر سم مرکب جبرئیل افتاده است (بن‌یاسین، ۱۴۲۰، ج ۳: ۳۶۷). ابن کثیر گفته است: خداوند به موسی (ع) از گمراهی قومش در پرستش گوساله خبر داد، گوساله‌ای که سامری آن را از زیور قبطیان آراست و سپس خاکی را که از سم مرکب جبرئیل برجای مانده بود بر آن پاشید و گوساله صدا می‌داد (همان: ۳۴۹).

به هرکس غیر تو نام امام الحق بدان ماند

که بر گوساله‌ی زرین خطاب ربّی الأعلی (هاتف، ۱۳۷۳: ۶۶)

که داستان سامری در قرآن کریم با شرح و تفصیل بیشتری ذکر شده است "قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ * قَالُوا مَا أَخْلَفَنَا مَوْعَدَكَ بِمَلَكِنَا وَلَكِنَّا حُمُلْنَا أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ * فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ" (طه/ ۸۸ و ۸۷ و ۸۵).

"یاجوج و مأجوج دو قبیله ترک بودند که در قرآن مجید چیزی که بر شکل و ویژگی‌های اخلاقی آنان دلالت کند، وجود ندارد و بر همین مقتصر است که از اقوام مفسد در زمین بوده‌اند و اگر چیز خارق‌العاده‌ای در آنان وجود دارد برای شناخت آن‌هاست" (ابوخلیل، بی‌تا: ۱۲۹). در بیت زیر، هاتف به داستان یاجوج و مأجوج اشاره کرده است و ذوالقرنین که سدی در برابر آنان ساخته بود؛ در تفاسیر مختلف از ذوالقرنین به عناوین مختلفی تعبیر شده است که اسکندر مقدونی نیز یکی از آنان می‌باشد که هاتف در این بیت از وی یاد کرده است، شرح کامل داستان یاجوج در آیات ۸۳ تا ۹۷ سوره‌ی کهف آمده است. در مورد ذوالقرنین در تفاسیر نظرات جالبی ارائه شده است مانند:

۱- وی بنده‌ای صالح بود که خدا را دوست می‌داشت پس خدا نیز وی را دوست داشت، سپس او را به سوی قومش مبعوث کرد و آن‌ها دوزخ به بر سر وی زدند و به همین خاطر ذوالقرنین نامیده شد.

۲- ملقب به ذوالقرنین گشته چون که به مشارق و مغارب رسیده است.

۳- بر او ذوالقرنین اطلاق شده چون که پادشاه فارس و روم بوده است.

۴- قرطبی گفته که چهار پادشاه مالک تمام دنیا بودند: دو تن مسلمان (حضرت سلیمان (ع) و اسکندر) و دو تن کافر (نمرود و بخت نصر) بودند (ر.ک بن العدوی، ۱۴۲۵: ۲۸۹). زهی پیش یاجوج شهوت کشیده

دل پاکت از زهد سدّ سکندر (هاتف، ۱۳۷۳: ۶۶)

در قرآن کریم آمده است: "قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُّفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَى أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا" (کهف/ ۹۴). هاتف در دیوان خویش، به معجزه‌ی دیگر حضرت موسی (ع) اشاره نموده است که در قرآن کریم آمده است که عصای آن حضرت به اذن الهی تبدیل به ماری عظیم می‌شد ریسمانی چند اگر جنبد به افسون نآورد

تا بچون گردد عصا در دست موسی اژدری (هاتف، ۱۳۷۳: ۹۲)

وی در بیت دیگری نیز به این موضوع اشاره نموده است

کسی کو گیردش بر کف نماند

چو موسی و ید بیضا و ثعبان (همان: ۱۵۶)
 که در قرآن کریم آمده است: "فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ" (شعراء/۳۲)
 «فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ»: تبدیل به ماری عظیم گشت (بن‌یاسین، ۱۴۲۰، ج ۲: ۳۳۹).
 هاتف در قسمت دیگری از دیوان خویش، به مضامین والای قرآنی اشاره نموده
 است که سعی شده است در کنار ذکر ابیات به توضیحاتی در باره‌ی آنان پرداخته شود:
 علم الهی یکی از اوصاف ثبوتی خداوند متعال می‌باشد و در بینش اسلامی، اعتقاد بر
 این است که خداوند به همه‌ی امور ظاهری و باطنی آگاه است و آیات قرآنی به صراحت این
 موضوع را تأیید می‌نمایند. هاتف اصفهانی نیز این موضوع را تأیید کرده و چنین بیان می‌دارد
 که اگر مخاطب وی، علم آدمی را انکار می‌کند آیا از علم لایتناهی الهی نیز بی‌خبر است؟
 چنین دانست کائن را من ندانم

أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ (هاتف، ۱۳۷۳: ۱۵۵)
 که آیات فراوانی در قرآن کریم بر این موضوع دلالات دارند و الهام‌بخش شاعر بوده‌اند
 مانند: "إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ" (آل عمران/۱۱۹).
 یکی از مهم‌ترین عقاید اسلامی، ایمان به جهانی غیر از این جهان است که با روز
 قیامت یا روز حسابرسی آغاز می‌گردد. هاتف در مدح کریم خان زند، از خداوند متعال
 برای دولت وی تا روز قیامت پایداری می‌طلبد
 خسرو معدلت نشان که بود

دولتش متصل به روز معاد (هاتف، ۱۳۷۳: ۱۶۵)
 معاد و قیامت یکی از مباحث اصلی قرآنی می‌باشد و در این باره آیات فراوانی
 در قرآن کریم به چشم می‌خورد مانند: "وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ
 فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبُعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنَّا كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ" (روم/۵۶).
 اعتقاد به قضا و قدر یعنی اعتقاد به این که انسان عملاً اختیاری در امور زندگی خویش
 ندارد و عاقبت و سرنوشت وی، از قبل در دفتر الهی مکتوب است و وی همان سرنوشت را
 می‌پیماید. هاتف در شعر خویش این موضوع را به زیبایی به تصویر کشیده است و اعلام
 می‌کند که وی تلاش خویش را انجام می‌دهد لکن نمی‌تواند خلاف قضای مقدر انجام دهد
 در این کار کوشم به جان لیک چتوان

که نتوان خلاف قضای مقدر (هاتف، ۱۳۷۳: ۶۹)
 در بیت دیگری در مدح کریم خان زند، اندیشه و قضا و قدر را در تلاش برای رسیدن به او می‌داند

در دل اندیشه‌ی مراد ازو

وز قضا سعی و از قدر امداد (همان: ۱۶۵)

وی همچنین در یک بیت از قصیده‌ی عربی خویش، قضا و قدر را مکتوب و جاری می‌داند
حاشای ما کنت من یختار فرقتهم

لکن قضاء جرى فی اللوح بالقلم (همان: ۲۲۶)

که در جای جای قرآن کریم به این موضوع اشاره شده است مانند: "إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ" (قمر/۴۹).

۳- نتیجه‌گیری

شعر فارسی در ادوار مختلف همواره تحت تأثیر ادبیات غنی اسلامی و به خصوص قرآن کریم و احادیث بوده است و شاعران فارس زبان با گشاده رویی و آغوشی باز به استقبال از قرآن کریم رفته و از الفاظ و معانی سحرانگیز این معجزه‌ی جاوید پیامبر خاتم (ص) تأثیر پذیرفته‌اند. سید احمد هائف اصفهانی یکی از شاعران بزرگ دوره‌ی بازگشت ادبی محسوب می‌شود که در شعر خویش از الفاظ و معانی قرآنی تأثیر پذیرفته است. وی گاهی عین آیه‌ی قرآنی را یا برگردانی از آن را به شکل آشکار و پیدا و در پاره‌ی دیگری از سروده‌های خویش، مضمون یا تصویری از قرآن کریم مانند داستان حضرت عیسی (ع)، حضرت موسی (ع) یا داستان سامری و یاجوج و ماجوج و نیز مضامین قرآنی مانند علم الهی، قیامت یا قضا و قدر را به زیبایی در دیوان خویش به تصویر کشیده و متجلی ساخته است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن‌أثیر، ضیاء‌الدین. (۱۹۵۹). المثل السائر فی ادب‌الکاتب والشاعر، تحقیق احمد الحوفی، قاهره: دارالنهضة العربیه.
- ۳- ابوخلیل، شوقی. (بی‌تا). اطلس القرآن، دمشق: المطبعة الهاشمیه.
- ۴- بن‌العدوی، أبی عبدالله المصطفی. (۱۴۲۵). التسهیل لتأویل التنزیل، تفسیر سوره الکهف فی سؤال و جواب، چاپ سوم، طنطا: دارالصحیفه.
- ۵- بن یاسین، حکمت بشیر. (۱۴۲۰). التفسیر الصحیح موسوعه الصحیح المسبور من التفسیر بالمأثور، چاپ اول، مدینه: دارالمأثر.
- ۶- بهار، محمدتقی. (۱۳۰۸). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس.

- ۷- پاک‌نیا تبریزی، عبدالکریم. (۱۳۸۸). قصه‌های قرآن از آدم علیه‌السلام تا رحلت خاتم علیه‌السلام، قم: مبین اندیشه.
- ۸- جربوع، عزه. (۲۰۰۲). التناس مع القرآن الکریم فی الشعر العربی المعاصر، مجله فکر و إبداع، شماره ۱۳.
- ۹- حسینی دشتی، سیدمصطفی. (۱۳۷۹). معارف و معاریف، با تجدید نظر و اضافات کلی، چاپ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- ۱۰- حریریچی، فیروز (۱۳۴۴)، اشعار عربی هاتف اصفهانی، مجله وحید، شماره ۲۶.
- ۱۱- حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۸۶). فرهنگ شاعران زبان پارسی از آغاز تا امروز، چاپ اول، تهران: انتشارات کومش.
- ۱۲- حلبی، شهاب‌الدین محمود. (۱۹۸۰). حسن التوسل إلى صناعة الترسل، تحقیق اکرم عثمان یوسف، بغداد: وزارة الثقافة والإعلام.
- ۱۳- خاتمی، احمد. (۱۳۷۱). سبک هندی و دوره‌ی بازگشت، چاپ اول، تهران: بهارستان.
- ۱۴- راستگو، سیدمحمد. (۱۳۷۶). تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۵- رفیعی، یدالله و رمضان رضانی. (۱۳۹۲). «اندیشه دینی در اشعار ملک الشعرای بهار و احمد صافی النجفی»، شماره ۲۵، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، صص ۷۱-۴۹.
- ۱۶- عتیق، عبدالعزیز. (۱۴۲۲). فی الأدب الإسلامی و الأموی، چاپ اول، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- ۱۷- فریور، حسین. (۱۳۵۲). تاریخ ادبیات ایران و شعرا، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۸- مراغی، احمدمصطفی. (۱۳۶۵). تفسیر المراغی، چاپ اول، شرکه و مکتبه مصطفی البابي الحلی و أولاده بمصر.
- ۱۹- ممتحن، مهدی و محبوبه بهمنی. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی اندیشه‌های علامه اقبال لاهوری و امیرالشعراء شوقی»، شماره ۲۴، مجله مطالعات ادبیات تطبیقی جیرفت، صص ۳۰-۷.
- ۲۰- هاتف، سیداحمد. (۱۳۷۳). دیوان، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی، چاپ اول، تهران: انتشارات نگاه.
- ۲۱- هاشمی خراسانی، حجت. (۱۳۷۲). مفصل شرح مطول، چاپ اول، قم: انتشارات

حاذق.

۲۲- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۵). بدیع از دیدگاه زیباشناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.